بررسی جایگاه اخبار طینت در میان معارف شیعه ـ محمدجعفر اسلامی، حسین جلیلی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال چهاردهم، شماره ۵۴ «ویژه عدل الهی»، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۳۱ـ ۱۵۷

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

بررسی جایگاه اخبار طینت در میان معارف شیعه

محمد جعفر اسلامی*
حسین جلیلی**

چکیده: این مقاله در صدد آنست که ثابت نماید بحث طینت ابعاد مختلفی دارد و تحقیق و بررسی و ارائه تحلیل و توجیه پیرامون اخبار طینت مستلزم آن است که به موضوعات مهم دیگری که پیوند عمیقی با این بحث دارد توجه گردد و تفسیر واضح و روشنی از آنها و ارتباط آنها با اخبار طینت ارائه گردد. در این مقاله پس از تبیین این نکته که این اخبار دارای موضوعات متنوّعی است، به ارتباط آن با مباحثی از جمله: عالم ذر، میثاق، خلقت نوری، سعادت و شقاوت، معاد، قضا و قدر، نفس و انتقال اعمال اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: طینت، عالم ذر، میثاق، خلقت نوری، سعادت و شقاوت، معاد، قضا و قدر، نفس، انتقال اعمال.

*. محقق و پژوهشگر حوزه علمیه مشهد mjislami9@gmail.com
**. دانش پژوه علوم حدیث hosseinjalili63@gmail.com

پیشگفتار

احادیث طینت عبارت است از آن دسته اخباری که آفرینش سرشت انسان را از سرشت خوب و بد پیش از این دنیا معرفی می‌کند.

این احادیث نکات متعددی در بردارد، از جلمه:

۱. آفرینش پیامبران الهی، یعنی پیغمبر اکرمﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام پیش از این عالم، از طینت علّیین یا طینت بهشت خلق شده‌اند، و دشمنان ایشان از طینت سجّین یا طینت دوزخ آفریده شده‌اند.

۲. خداوند متعال از همه انسان‌ها با هر خصوصیتی که داشتند، بر ربوبیت خود، نبوّت انبیاء و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام پیمان گرفت که تنها عبادت او کنند، چیزی را شریک وی قرار ندهند، به پیغمبران و اولیائش ایمان آورند و از آنها پیروی کنند. شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام در این دنیا همان کسانی‌اند که در امتحان در عالم پیشین سر بلند بیرون آمدند، امّا مخالفین اهل بیت علیهم‌السلام در امتحان عالم ذر و میثاق، از خداوند سرپیچی نمودند.

۳. بر اساس امتحانی که پروردگار از انسان‌ها گرفته، برخی را از طینت و سرشتی خوب، و برخی را نیز از سرشتی بد و ناپاک خلق نموده است.

۴. در شماری از روایات طینت، خلقت و آفرینش انسان از «الماء العذب الفرات» و «الماء المالح الأجاج» تبیین گشته است.[۱] محدّثین این اخبار را نیز از جمله اخبار طینت به شمار آوردند و در حقیقت آنها را به منزله تفسیر یا تعبیری مختلف از «خلقت آغازین انسان از دو حقیقت خوب و بد» دانسته‌اند.[۲]

۱. تفسیر القمی ۱: ۳۹- ٤١.

۲. مجلسی در بحار الانوار با توجه به این نکته اخبار این چنینی را در باب الطینة و المیثاق گرد آورده است. بحار الانوار۵: ۲۳۷- ۲۳۸.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

۵. بعضی از روایاتی که در باب طینت آمده، منشأ اختلاف را آفرینش آغازین انسان از نور و ظلمت دانسته‌اند.[۱]

۶. علت این تفاوتها آن است که بدین وسیله آدمیان در حالات مختلف مورد تکلیف و امتحان واقع گردند.[۲]

۷. طینت خوب و بد با یکدیگر اختلاط پیدا نموده و به همین جهت گاهی از مؤمنان و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام اعمال سیئه صادر می‌گردد.

۸. اعمال سیئه و گناهانی که از مؤمنان و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام سر زده، به مخالفین اهل بیت علیهم‌السلام انتقال می‌یابد. همچنین اعمال حسنه‌ای که توسط مخالفین اهل بیت علیهم‌السلام صورت پذیرفته، به مؤمنین و شیعیان انتقال می‌یابد.

احادیث طینت نکات فوق را در بردارد. لذا با مشکلاتی همچون تعارض با احادیث فطرت، تعارض با احادیث اختیار و امر بین الامرین، سعادت و شقاوت ذاتی انسان و عدل الهی دست به گریبان است که موجب شده علماء و دانشمندان بسیاری به توجیه، تحلیل و تأویل این روایات دست بزنند[۳] که در اینجا مجال سخن از آن نمی‌باشد.

هدف از آنچه که در آینده می‌آید، نشان دادن میزان پیوند میان اخبار طینت و بسیاری از موضوعات دیگر در معارف حدیثی کلامی شیعه است.

به خاطر همین پیوند است که می‌بینیم برخی از محدّثان اخبار طینت این احادیث را در ابواب متفاوت نقل نموده‌اند. به طور مثال برقی در باب «میثاق[۴]»،

---

۱. علل الشرائع ۱: ۱۱۷.

۲. الکافی ۲: ۹-۱۰.

۳. علامه سید عبد الله شبر در *مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار* با ارائه نُه نظریه در توجیه و تفسیر این اخبار، در صدد پاسخگویی از این مشکلات بر آمده است. *مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار* ۱: ٤-۱۸.

٤. المحاسن ۱: ۱۳۵.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

صفار در بابهای «اینکه ائمه علیهم‌السلام آنچه در میثاق اتفاق افتاده را می‌دانند»[1] «حدیث ائمه آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله صعب و مستصعب است»[2]، «علت طبایع و شهوات و محبتها»[3]، مجلسی در باب «طینت و میثاق» برخی از این اخبار را گرد آورده‌اند.

علامه طباطبائی در حاشیه بر بحار الأنوار به خوبی به این مطلب اشاره کرده و از کسانی که بین مباحث مختلف و متعدّد مطرح شده در احادیث طینت خلط نموده‌اند انتقاد کرده است. وی در این باره گفته است: «اخبار طینت مشتمل بر مسئله واحدی نیست؛ بلکه هر یک از مسئله‌های طینت انتقال اعمال، شروع خلقت، اخذ میثاق و میثاق در عالم ذر مسائل گوناگونی هستند که همگی به قضاء و اراده کلی الهی ارتباط دارند؛ در حالی که پژوهشگران مختلف؛ از جمله متکلّمان و مفسّران این مباحث را با یکدیگر آمیخته‌اند.»[4]

گاه اصل پذیرش این موضوعات و گاه چگونگی تفسیر آنها می‌تواند نقش اثر گذاری داشته باشد.

از همین روی در بحث از اخبار طینت باید به جایگاه موضوع طینت در میان این معارف، نوع ارتباط و تأثیر گذاری متقابل آنها توجه داشت؛ تا بتوان آراء و نظرات دانشمندان را بهتر بررسی کرد و منظومه فکری صحیح و کامل‌تر از این مباحث ارائه داد.

اینک نخست به تبیین مختصری از این موضوعات می‌پردازیم، سپس به تأثیر این موضوعات و تأثیر انتخاب مبنا و تفسیر آنها، بر بحث طینت اشاره خواهیم کرد.

---

۱. بصائر الدرجات: ۱۰۹– ۱۱۰.
۲. بصائر الدرجات: ٤٥–٤٧.
۳. علل الشرائع ۱: ۸۲–۸٤.
٤. بحار الأنوار٥: ۲۷٦.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

۱. اخبار طینت و عالم ذَرّ

طبق معارف دینی انسان مرکّب از دو جزء بنام روح و جسم است. این امر بر اساس آیات و روایات، امری مسلّم و پذیرفته شده است. ترکیب میان این دو جزء از سنخ ترکیب انضمامی است؛ به طوری که محال نیست که بین آنها جدایی نباشد و در حقیقت نمی‌توان بقای هر کدام را مشروط به وجود دیگری پنداشت.

اما این جدایی هیچ جا به وقوع نمی‌پیوندد؛ مگر در عالم برزخ – فاصله میان مرگ تا قیامت و برانگیخته شدن بدن انسان– که روح به صورت مستقلّ تا روز قیامت، پایدار و باقی می‌ماند.

این جدایی زمان دیگری نیز به وقوع پیوسته، و آن در عالمی پیش از این عالم[۱]؛ یعنی عالم ارواح است. روح آدمی پیش از اینکه وی پا به عرصه این عالم بگذارد، در عالمی دیگر آفریده شده و خداوند خود را مستقلّا در آن عالم به ارواح آدمیان شناسانده است. برخی از حدیث شناسان در مورد این اخبار، گاهی ادّعای تواتر مضمونی و گاهی ادعای تواتر لفظی دارند.

ارتباط بحث خلقت طینت با اخبار عالم ذَرّ از آنجا محکم می‌شود که در بحث خلقت طینت، آفرینش ارواح مؤمنین از طینت و سرشتی خوب مطرح شده است، و ظاهرا عالم ذر[۲]، همان عالمی است که خلقت طینتی ارواح مؤمنین و کافران در

---

۱. بنا بر تفسیر حدیث‌شناسان قبلیّت عالم ذر و عالم ارواح، قبلیّت زمانی نیست؛ بلکه مقصود قبلیت رتبی است؛ چرا که اساسا در تفسیر عالم ذر چنین گفته می‌شود که بطنی از بطون عالَم می‌باشد که زمان در آن بی‌معناست.

۲. در برخی از روایات وارد شده که آدمیان در این عالم به هیئت ذر آفریده شدند: «...فأخرج ذریته من صلبه نسما في هیئة الذر.فألزمهم العقل وقرّرهم أنه الرب...» مختصر بصائر الدرجات: ۲۲٦. از این روی به آن عالم ذر می‌گویند.

شایان ذکر است که برای این عالم در روایات متعدّد، تعابیر مختلفی بیان شده است. در برخی از روایات، از آن تعبیر به عالم أظلّة، در برخی أشباح و در برخی نیز ارواح شده که هر کدام ناظر به جلوه خاصی از این عالم بوده است. مثلا از عالم ذر به عالم ظلال و اظله تعبیر شده چرا که به منزله ظل و سایه این عالم می‌باشد. مرآةالعقول۵: ۱٦۲، نور البراهین: ۱٦۰. نظریه دیگری نیز وجود دارد که عوالمی را که با تعابیر مختلف آمده جدای از یکدیگر می‌داند. تفصیل این بحث در جای خود می‌آید.

آنجا صورت پذیرفته است.

با مراجعه به متن برخی از این اخبار، این هم بستگی موضوعی را می‌توان دید. به عنوان مثال امام باقر علیه السلام می‌فرماید: إن الله أخذ ميثاق شيعتنا بالولاية لنا وهم ذر، يوم أخذ الميثاق على الذر بالاقرار بالربوبية ولمحمد صلى الله عليه وآله بالنبوة، و عرض الله عز وجل على محمد أمته في الطين وهم أظلة، وخلقهم من الطينة التي خلق منها آدم وخلق الله أرواح شيعتنا قبل أبدانهم بألفي عام، عرضهم عليه و عرفهم رسول الله، و عرفهم عليا، و نحن نعرفُهم في لحن القول.»[1]

در این روایت، تعابیر «ذَرّ»، «أظلّه»، «خلقت ارواح قبل ابدان» و «طینت» در کنار یکدیگر ذکر شده که بیانگر یکی بودنِ این عالم می‌باشد. از همین روی می‌بینیم برخی از محدّثان، اخبار مرتبط با طینت را در ابوابی تحت عناوین «خلق الأرواح قبل الأجساد» نقل می‌کنند.[2]

لذا بحث از طینت متوقّف بر قبول موضوع کلی‌تر تحت عنوان عالم ارواح تنها حدیث‌پژوهانی که وجود این عالم را از لحاظ عقلی و نقلی پذیرفته‌اند، می‌توانند در فضای آفرینش طینتیِ مؤمنان و کافران سخن بگویند و کسانی که وجود عالم ذر را به هر دلیلی نپذیرفته‌اند، نمی‌توانند جایگاهی برای بحث خلقت طینت مؤمنان و کافران در معارف اعتقادی قائل باشند.

لذا چنین کسانی، این خلقت را اساسًا باطل می‌پندارند.[3]

۱. بحار الأنوار ۵۸: ۱۳٤-۱۳۵.

۲. رجوع شود به بحار الأنوار ۵۸: ۱۳۱.

۳. در میان اندیشمندان، متکلمان و مفسران برجسته، شیخ مفید (تصحیح اعتقادات الامامیة: ۸۳- ۸٦)، سید مرتضی (در امالی) و ثقة الاسلام طبرسی (مجمع البیان ٤: ۳۹۱- ۳۹۲) از منکرین عالم ذر محسوب می‌شوند و در این زمینه به ادله متفاوتی بر عدم وجود عالم ذر استدلال کرده‌اند. در مقابل افرادی همچون صدر الدین شیرازی (العرشیة: ۱۳٦) میرزا حسین نوری (خاتمة المستدرک ٤: ۲۱۸) با توجه به کثرت روایات این باب عالم ذر را از ضروریات خوانده اند. مجلسی این اخبار را

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

از سوی دیگر، برخی از نکاتی که در ساختار معرفتی عالم ذر از روایات استفاده شده، می‌تواند مفسّر و مبیّن برخی از مشکلات و پیچیدگی‌های اخبار طینت باشد.

به عنوان مثال جبر اعمال آدمیان در این دنیا و متأثر شدن ایمان و کفر ایشان از عالم ارواح را، می‌توان با توجّه به روایات عالم ذر که می‌گوید انسان کافر در آن عالم، می‌تواند در این عالم تغییر کرده و مؤمن شود، توجیه کرد.

نمونه دیگر، انس و اختلاف گروه‌های ارواح است که می‌تواند به خلقت از طینت خوب و بد مرتبط باشد.

در برخی از روایات عالم ذر آمده که گروه‌های ارواح که با یکدیگر در عالم ذر به انس و محبت و یا اختلاف و تنفر پرداختند، وقتی که انسان در این دنیا به خواب می‌رود، ارواح ایشان به آسمان رفته و به انس و محبت و یا اختلاف می‌رسند. «إن العباد إذا ناموا خرجت أرواحهم إلى السماء، فما رأت الروح في السماء فهو الحق، و ما رأت في الهواء فهو الأضغاث... .»[1]

۲. اخبار طینت و میثاق

امتحان گرفتن از بندگان یعنی؛ میثاق، در اخبار طینت بحث شده، و خلقت شخص از طینت خوب و بد، بر اساس میثاق و امتحانی است که در عوالم پیشین صورت پذیرفته است. لذا علامه مجلسی در بحار الأنوار، دو بحث طینت و میثاق را در یک باب قرار داده است.

در مربوط به میثاق، اساس ایمان و کفرِ این دنیا تحت تأثیر ایمان و عدم ایمان در

قریب به تواتر دانسته و شیخ عبد النبی عراقی نیز اخبار این باب، را از متواترات لفظی دانسته است. (سفینه شماره ۱۵ ص ۱۵)

۱. الأمالی للصدوق: ۲۰۹.

عالم میثاق قلمداد شده؛ که مشابه اخبار طینت است.

همین خاطر مروری اجمالی به بحث میثاق در آیات و روایات و نگرشهای مختلف پیرامون میثاق داریم.

نظریه میثاق و امتحان قبل از خلقت جسمانی ریشه در قرآن دارد، از جمله آیه ۱۷۲ سوره اعراف که فرمود: «و إذ أخذ ربّک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و أشهدهم علی أنفسهم ألست بربّکم قالوا بلی شهدنا أن تقولوا یوم القیامة إنا کنا عن هذا غافلین.»[1] طبق این آیه امتحان برای همه آحاد بشر صورت گرفته و بنا بر ظاهر آن، تمامی اشخاص در این امتحان پیروز بوده‌اند و اقرار به الوهیت پروردگار نموده‌اند.[2]

در احادیث دیگر، از ایمان آوردن و عدم ایمان گروهی از ارواح نیز سخن به میان آمده، که آنان به صورت گروه گروه شده و در میان ایشان، اختلاف، انس و آشنایی برقرار شده است.

پس در نگاه نخست می‌توان احتمال داد که میثاق‌ها و امتحاناتی که در عالم ذر گرفته شده، متعدّداً و به اشکال و انحاء مختلفی بوده است.[3]

بعضی از احادیث که در عالم ارواح اساساً بعث رسل و انبیاء نیز بوده است. این اخبار علاوه بر امتحانی که از طرف خداوند صورت پذیرفته از امتحاناتی توسط پیغمبر و امامان علیهم‌السلام گزارش کرده‌اند.

---

۱. روایات متعدّدی پیرامون تفسیر این آیه و چگونگی میثاق در عوالم پیشین وارد شده است. در برخی از این روایات اشاره به میثاق برای ربوبیت خداوند متعال شده در برخی علاوه بر آن از میثاق برای ولایت اهل بیت علیهم‌السلام نیز سخن به میان آمده و در شماری نیز تنها به میثاق اهل بیت علیهم‌السلام اشاره شده است. رجوع شود به تفسیر العیاشی۲: ٤٠-٤١، تفسیر البرهان۲: ٦٠٣-٦١٢، تفسیر نور الثقلین۲: ۹۲-۱۰۲. علامه طباطبائی پس از ذکر شماری از این احادیث میثاق چنین نتیجه‌ای می‌گیرد که میثاق برای امور متعدّدی بوده، از جمله ربوبیت پروردگار، نبوّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام. تفسیر المیزان۸: ۳۲٤.

۲. تعلیقه علامه شعرانی بر شرح اصول کافی ۷: ۱۰٤.

۳. برخی از عالمان، تکالیف و امتحانات را نیز متعدّد فرض کرده‌اند؛ مانند: محدّث استر آبادی که تکالیف پیش از این عالم را در دو عالم متفاوت فرض نموده، و یک تکلیف مرتبط به عالم مجرّد محض و دیگری را در عالم ظلال دانسته است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی به مفضّل فرمود: «يا مفضل أما علمت أن الله تبارك وتعالى بعث رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله وهو روح إلى الأنبياء علیهم‌السلام، وهم أرواح قبل خلق الخلق بألفي عام، قال: أما علمت أنه دعاهم إلى توحيد الله وطاعته واتباع أمره ووعدهم الجنة على ذلك وأوعد من خالف ما أجابوا إليه وأنكره النار قلت بلى.»[1]

علامه مجلسی در مرآة العقول، دیدگاه‌های بزرگان شیعه را در سه رویکرد خلاصه نموده است[2] که اشاره خواهد شد.

رویکرد اول: شیوه محدّثین – و به تعبیر مجلسی: متورّعین– است که می‌گویند: اجمالا به آنچه که در این روایات است ایمان و اعتقاد داریم؛ اما از فهم معانی والای آن عاجز هستیم و نمی‌توان دست به تأویل و یا توجیه آن برد.

رویکرد دوم: آیات و روایات پیرامون میثاق، حمل بر استعاره مجاز و تمثیل می‌شود. اینان بعضی از احادیث مربوط را به معانی مجازی تأویل می‌برند و بعضی دیگر را از اخبار ضعیف و آحاد می‌دانند؛ که نمی‌توان بر آنها اعتماد کرد. شیخ مفید، سید مرتضی و طبرسی از معتقدین به این نظر هستند. از دانشوران معاصر، میرزا ابوالحسن شعرانی را می‌توان در این گروه نام برد.[3]

قائلین به این قول می‌گویند: آیاتی از قبیل آیه «ألست بربكم قالوا بلى» اشاره به احوال انسان در این دنیا می‌کند؛ بدین معنا که خداوند هر یک از آحاد بشر را از صلب و رحم تا مرحله انفصال و جدا شدن هدایت نمود و آنچه که برای خداشناسی بدان نیازمند باشند فراهم نمود و گویا زمانی که آنها را به سمت نفس غرق در نیاز خود متوجه نمود، از آنها پرسید «ألست بربّكم» و گویا انسان نیز این خطاب و زبان حال را شنیده و پاسخ گفته: «بلی». اینچنین میثاقی نیز از تمامی

۱. علل الشرائع ۱: ۱۶۲– ۱۶۳.
۲. مرآة العقول ۷: ۳۸.
۳. بنگرید: تعلیقات شعرانی بر شرح کافی مازندرانی ج ۷ ص ۱۰۴ و ۱۳۲.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

انسانها در طول حیات دنیا گرفته می‌شود.[1]

رویکرد سوم: رویکرد بسیاری از دانشمندان شیعه است که این آیات و اخبار را پذیرفته‌اند و مفاد آنها را که گرفتن امتحان الهی در عالمی پیش از این عالم و در عالم ذر می‌باشد، مغایر و متعارض با هیچ یک از اصول اعتقادی شیعه ندانسته‌اند.[2] به عنوان مثال شیخ حر عاملی جایگاه خاصی برای این بحث در معارف شیعی قائل است. وی در کتاب الفصول المهمّة با اختصاص یک باب تحت عنوان «إن الله سبحانه كلّف الخلق كلّهم بالإقرار بالتوحيد ونحوه في عالم الذر» به آن پرداخت.[3]

نامبرده این اخبار را بیش از هزار حدیث و بالاتر از حد تواتر می‌داند.[4]

موضوع میثاق و تکالیف آدمیان در عوالم پیشین، در برخی از مباحث علم کلام نیز نقش قابل توجهی دارد.

به عنوان مثال معنای معرفت و جحود و خلق آن دو که سید نعمت الله جزائری در این مورد، پس نقل آراء متعدد می‌گوید: «أقول: ويجوز أن يكون خلق المعرفة والجحود في هذا العالم بناء على ما وقع من التكليف في عالم الذر، فتأمل.»[5]

نکته دیگر این که شناخت انسان به یکتایی خداوند و اطاعت اوامر الهی در این دنیا باید مسبوق به معرفتی الهامی از پیش باشد. که به فطرت تعبیر شده و اگر وجود نداشت، آدمی هیچ گاه خود را مخاطب به بیانات قدسی نمی‌دانست. بنابراین بحث فطرت نیز، ریشه در میثاق و امتحان در عالم ذر دارد.

---

۱. المیزان ۸: ۳۱۸.

۲. برای اطلاع بیشتر در این زمینه رجوع شود به تفسیر المیزان ۸: ۱٦۲– ۳۱۸، مرآة العقول ۷: ۳۸– ٥٤.

۳. الفصول المهمّة۱: ٤۲۰– ٤۲٥.

٤. الفصول المهمّة ۱: ٤۲٥.

٥. نورالبراهین ۱: ٥٤٥.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

در مقابل گروه‌هایی مانند اشاعره معرفت الهامی پیشین را در مخاطب قرار گرفتنِ سخنان پروردگار شرط نمی‌دانند. ملا محمدامین استرآبادی، به این نظر که در کلام اشاعره آمده اشاره می‌کند و در مقام انتقاد از این باور می‌گوید:

«الثالثة – إنه يستفاد منها أن ما زعمه الأشاعرة – من أن مجرد تصور الخطاب – من غير سبق معرفة الهامية بخالق العالم وبأن له رضى وسخطا وأنه لا بد من معلم من جهته ليعلم الناس ما يصلحهم وما يفسدهم – كافٍ في تعلّق التكليف بهم – ليس بصحيح.»[1]

از آنچه گفته شد، می‌توان فهمید که بحث از میثاق و تکلیف آدمیان پیش از این عالم؛ به عنوان یکی از مباحث مطرح شده در احادیث طینت، چگونه و تا چه حد با دیگر مباحث معرفتی مرتبط است.

۳. اخبار طینت و اخبار خلقت نوری

در احادیث متعددی آمده است که نخستین چیزی که آفریده شده، نور پیغمبر و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. در برخی دیگر آمده است که خلقت مؤمنین و کفار پیش از این عالم، از نور و ظلمت صورت پذیرفته است. نوری که اهل بیت علیهم‌السلام از آن آفریده شدند نور پروردگار و جلال عظمتش[2]، دون عرش و یمین عرش[3]، تبیین شده.[4] در برخی از این روایات، خلقت عرش، لوح، خورشید، روشنایی روز، نور دیدگان، عقل، معرفت، چشم بندگان، گوشها و قلوب بندگان از نور پیغمبر دانسته شده[5] و در احادیث دیگر، آفرینش شیعه از نور اهل بیت علیهم‌السلام بیان

---

۱. الحدائق الناضرة ۳: ٤٠.

۲. بحار الانوار ۳: ۳۰۷، ٤: ٤۲، ۱۵: ۲٤، ۲۵، ۲۵: ۱۷،

۳. بحار الانوار۱: ۱۰۹.

٤. در روایتی آمده است که هر یک از انبیاء الهی نیز از نور خداوند متعال آفریده شدند و پروردگار از هر قطره‌ای از نور خویش پیغمبری را آفرید. بحار الانوار٥٤: ۲۰۰.

۵. بحار الانوار۲۵: ۲۲.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

شده است.[1]

برقی – محدث شیعی سدهٔ سوم – بخشی از این روایات را در باب «ما خلق الله تبارک و تعالی المؤمن من نوره» آورده است.[2] محمد بن حسن صفار در کتاب بصائر الدرجات در باب «في خلق أبدان الأئمة عليهم السلام وفي خلق أرواحهم وشيعتهم» به تعدادی از این اخبار پرداخته[3] و کلینی، شماری از این احادیث را در کافی در بابی تحت عنوان «باب خلق أبدان الأئمة و أرواحهم وقلوبهم عليهم السلام»[4] وارد نموده است. علامه مجلسی شمار بسیاری را در باب «بدء خلقه وماجری له فی المیثاق»[5] و برخی را در باب «خلقهم و طینتهم و ارواحهم علیهم السلام» گرد آورده است.

اخبار طینت و احادیث خلقت نوری اهل بیت علیهم‌السلام، از آن جهت که هر دو به آفرینش نخستین انسان پیش از این دنیا اشاره دارد، مشترک هستند. علامه مجلسی احادیث طینت و بحث خلقت نورانی را از یک سنخ می‌داند و هر کدام از احادیث خلقت نورانی را تعبیر و کنایه برای حقیقت آفرینش طینتی می‌شمارد.[6]

همچنین وی در شرح حدیثی از احادیث خلقت نورانیِ شیعه، یکی از احتمالات در تفسیر خلقت مؤمن از نور را کنایه و تفسیری از خلقت طینت می‌داند و به تعبیری همه این احادیث را مبیّن برای یک حقیقت می‌پندارد که

۱. بحار الانوار ٢٦: ٢٥٦.
۲. المحاسن ۱: ۱۳۱– ۱۳۲.
۳. بصائر الدرجات: ۳۹– ٤٠.
٤. بحار الأنوار ۱: ۳۸۹–۳۹۰.
٥. بحار الانوار ۱۵: ۲– ۱۷٤، ۳۰: ۱۰۳، ٤٠: ۱۹۵.
٦. بنگرید: بحار الانوار ٢٦: ٢٥٦.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

گاهی از آن تعبیر به طینت و گاهی تعبیر به نور می‌گردد. وی در شرح حدیثی از احادیث آفرینش مؤمن از نور می‌گوید: «خلق المؤمن من نوره: أي من روح طيبة منورة بنور الله، أو من طينة مخزونة مناسبة لطينة أئمتهم عليهم السلام... "أبوه النور وأمه الرحمة" كأنه على الاستعارة أي لشدة ارتباطه بأنوار الله ورحماته، كأن أباه النور وأمه الرحمة أو النور كناية عن الطينة والرحمة عن الروح أو بالعكس.»[1]

همچنین در برخی از روایات خلقت نورانی اهل بیت علیهم‌السلام، موضوع آفرینش آن گرامیان از طینت علیین و گاه خلقت شیعیان ایشان از طینت طیبه اشاره شده است. برای مثال مراجعه شود به باب (بدء خلقه وما جرى له في الميثاق، وبدء نوره وظهوره)[2] و باب (خلقهم وطينتهم وأرواحهم صلوات الله عليهم)[3] در بحار الانوار.

شایان توجه است که برخی از روایاتی که محدث مجلسی در ابواب خلقت نوری آورده است، از احادیث اختصاصی باب طینت محسوب می‌گردد؛ مانند: حدیث بصائر الدرجات از امام صادق علیه‌السلام.[4]

در حدیثی دیگر پیوند خلقت نوری و طینتی بیشتر به چشم می‌خورد، که در آن طینت علیین دربردارنده نور قلمداد شده است.[5]

علامه طباطبائی نیز به پیوند اخبار خلقت نوری و خلقت طینتی توجه دارد. وی در تفسیر المیزان پس از ذکر شماری از احادیث طینت به ذکر احادیث خلقت نوری اشاره کرده و تبیینی از پیوند و ارتباط این دو گروه از احادیث ارائه می‌دهد. وی می‌گوید: احادیثی که خلقت شیعیان و اهل بیت علیهم‌السلام از نور، و خلقت مخالفین ایشان از ظلمت و تاریکی را می‌رساند، در حقیقت بیانگر خلقت و

۱. بحار الأنوار ٦٤: ٧٣- ٧٤.
۲. بحار الانوار ١٥: ٢١.
۳. بحار الانوار ٢٥: ١
٤. بحار الانوار ٢٥: ٩.
٥. علل الشرائع ١: ١١٧.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

آفرینشی است که از خلقت از طینت علیین و سجین انجام می‌پذیرد.[1]

برخی از تعابیر در زیارات مأثوره نیز از اتحاد خلقت طینت و خلقت نوری خبر می‌دهد و آن را تأیید می‌کند. در زیارت جامعه می‌خوانیم: «أشهد أن هذا سابق لكم فيما مضى وجار لكم فيما بقي وأن أرواحكم ونورکم وطينتكم واحدة، طابت وطهرت بعضها من بعض، خلقكم الله أنوارا فجعلكم بعرشه محدقين حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه.»[2] در این بخش از زیارت جامعه کبیره به خوبی خلقت روحی نوری و طینتی یکی خوانده شده است و در حقیقت هر کدام از این واژگان اشاره به جنبه‌ای از خلقت پیش از این عالم است.

۴. اخبار طینت و اخبار سعادت و شقاوت

مفاد ظاهر اخبار طینت آن است که سرنوشت آدمیان از پیش تعیین شده است و به واسطه آفرینشی که از طینت خوب و بد صورت پذیرفته، سعادت و شقاوت آنها تعیین گشته است. مشابه این مطلب در شماری از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام نیز وارد شده که به نوعی بر تقدیر ازلیِ بشر در سعادت و شقاوت دلالت دارد.

بر اساس ظاهر این اخبار، جبر و عدم اختیار انسان در سرنوشت خویش ثابت می‌گردد.[3] از این روی اندیشمندان در پی توجیه اخبار سعادت و شقاوت ذاتی بر

۱. المیزان ۸: ۱۰٤.

۲. من لا یحضره الفقیه۲: ٦۱۳.

۳. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان اشکالاتی را که ظاهر این اخبار دارد به خوبی تبیین می‌کند. وی می‌نویسد:

الف. سعادت و شقاوت ذاتی با مالکیت مطلقه الهی منافات داشته، و مستلزم محدود نمودن سلطنت پروردگار می‌باشد که قرآن، سنت و عقل مخالف با آن است.

ب. چنین امری مستلزم اختلال نظام عقل در جمیع مبانی عقلاست؛ چرا که بنای جمیع عقلاء بر تأثیر تعلیم و تربیت می‌باشد و همه بر این که برخی از اعمال نیک و ممدوح است و وبرخی از کارها زشت و ناپسند و قابل سرزنش می‌باشد اتفاق نظر دارند.

ج. لازمه این سخن آن است که تشریع و فرستادن کتابهای آسمانی و نیز ارسال پیامبران همه لغو و بیهوده باشد. همچنین دیگر اتمام حجت در ذاتیات هر طور که تصور گردد معنا نخواهد داشت؛ زیرا بنا بر این فرض، انفکاک ذوات از ذاتیات خود محال است؛ حال آنکه قرآن کریم در جای جای خود با این لوازم مخالفت صریح دارد. المیزان ۸: ۹۵.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

آمده‌اند.

اما مباحثی که در درون این روایات و تفاسیر آنها مطرح شده، می‌تواند در تفسیر، تبیین و توجیه اخبار طینت اثر گذار باشد. و معنای هر یک از دو دسته روایات مکمّل معنای دسته دیگر است.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه «قل أمر ربي بالقسط وأقيموا وجوهكم عندَ كلّ مسجد وادعوه مخلصين له الدين كما بدأكم تعودون»[۱] در تبیین اخبار سعادت و شقاوت و اخباری که درباره خلقت اولیه می‌باشد، بحث روایی مفصّلی ارائه می‌دهد و در آن‌جا روایات طینت و سعادت و شقاوت را در کنار هم بررسی نموده و تحلیل می‌کند.[۲] علامه روایات سعادت و شقاوت را به پنج گروه تقسیم می‌کند که دست کم سه دسته از این اخبار (دسته دوم تا دسته چهارم) از اخبار طینت به شمار می‌آید که به تعابیر مختلف، از مطابقت پایان کار انسان با خلقت آغازینش سخن گفته است.

وی درباره اشتراک موضوع این اخبار می‌گوید: «گر چه این روایات از حیث مفاد مختلف‌اند؛ همه در این که انتهاء خلقت به شکل خلقت نخستین است و بازگشت انسان مانند آغاز آفرینش اوست و نیز در بیان این نکته که کسی که در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

---

۱. اعراف: ۲۹.

۲. المیزان ۸: ۹۵- ۱۳۲. سید نعمت الله جزائری از محدّثین شهیر قرن دوازدهم هجری نیز با توجه به اشتراک موضوع سعادت و شقاوت در احادیث طینت و احادیثی که دلالت بر سعادت و شقاوت ذاتی می‌کند، به ارائه تحلیلی مشترک پیرامون این دو دسته از اخبار می‌دهد. نور البراهین۲: ۲۸۵-۲۹۰. همچنین شیخ محمد حسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی در تبیین اختلاف و تفاوت بندگان در فرمانبرداری و معصیت می‌گوید: این اختلاف ناشی از اراده و اراده ناشی از اختلاف دواعی و اختلاف دواعی ناشی از اختلاف ادراکات و اختلاف ادراکات ناشی از اختلاف استعدادها و اختلاف استعدادها ناشی از اختلاف ذوات و طبائع می‌باشد. دلیل و مؤید این مطلب نیز اخبار طینت و اخبار سعادت و شقاوت عنوان می‌کند. کمپانی در این تبیین به نکته مشترک بین احادیث طینت و سعادت و شقاوت نظیر: «السعید سعید فی بطن امه و الشقی شقی فی بطن امه» توجه و اشاره داشته است. الفصول الغرویة: ۳۲۸-۳۲۹. امام خمینی نیز در کتاب لب الأثر في الجبر والقدر به این نقطه مشترک در روایات طینت و سعادت و شقاوت توجه و اشاره کرده است. لب الأثر فی الجبر و القدر: ۱۱۷-۱۲۳.

خاتمه هدایت یافته، از ابتدا هدایت یافته بوده و گمراه نیز از ابتدا گمراه شده بوده، مشترکند؛ اما این روایات و همچنین آیات در مقام اثبات سعادت و شقاوت ذاتی نیستند و آنچه را برای انسان اثبات می‌کنند از قبیل زوجیت برای چهار نیست.»[1]

با توجه به این اشتراک و پیوند عمیق میان اخبار طینت و موضوع سعادت و شقاوت ذاتی محقق خوئی[2] و امام خمینی[3] هر کدام در بحث از سعادت و شقاوت ذاتی پای اخبار طینت را نیز به میان کشیده‌اند و در پی ارائه معنایی معقول از این دسته اخبار بوده‌اند؛ اگر چه به تفصیل ورود به مباحث اخبار طینت پیدا نکرده‌اند.

علامه طباطبائی پنجمین دسته از روایاتی را که دلالت بر سعادت و شقاوت ذاتی می‌کند، اخباری می‌داند که در آنها به موضوع انتقال اعمال سیئه شیعیان و مؤمنین به مخالفین و انتقال اعمال حسنه مخالفین به شیعیان سخن رفته است.[4] می‌دانیم که یکی از نکاتی که در اخبار طینت بسیار بدان پرداخته شده، موضوع انتقال اعمال است. با توجه این نکته ارتباط و تأثیرگذاری متقابل این مباحث، بیش از پیش دانسته می‌شود.

در برخی احادیث، آن سعادت و شقاوت ذاتی تفسیر به علم خداوند شده است. امام کاظم علیه‌السلام کلام پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را نقل می‌کند که فرمود: "الشقي من شقي في بطن أمه والسعيد من سعد في بطن أمه" و در توضیح آن فرمود: «الشقي من

۱. المیزان ۸: ۹۵.
۲. محاضرات في أصول الفقه ۲: ۱۱۱
۳. چهل حدیث: ٥٤٥و ٥٥٢.
٤. المیزان ۸: ۹۹.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

علم الله وهو في بطن أمه أنه سيعمل أعمال الأشقياء.»[1] مشابه همین نکته در اخبار طینت آمده که اختلاف در آفرینش سرشت بندگان و همچنین شقاوت و سعادت را مرتبط به علم خداوند دانسته است. طبق حدیث قدسی که در کافی روایت می‌کند: «وبعلمي النافذ فيهم خالفت بين صورهم وأجسامهم وألوانهم وأعمارهم وأرزاقهم وطاعتهم ومعصيتهم، فجعلت منهم الشقي والسعيد والبصير والأعمى والقصير والطويل والجميل والدميم والعالم والجاهل والغني والفقير والمطيع والعاصي والصحيح والسقيم.»[2]

این احادیث، می‌تواند مؤید نظر کسانی باشد که خلقت طینتی را تفسیر به علم خداوند می‌کنند.

در ذیل نگاهی اجمالی به بحث سعادت و شقاوت ذاتی در احادیث و توجیه آن می‌اندازیم.

از معروفترین روایاتِ این باب، روایتی است که متن آن از پیغمبر اکرمﷺ و امام صادقؑ نقل شده است. «الشقي من شقى في بطن أمه، والسعيد من سعد في بطن أمه»[3] و حدیث معروف: «الناس معادن؛ كمعادن الذهب و الفضة.»[4] محمد بن احمد بن خالد برقی متوفی ۲۷۴ه.ق. در المحاسن[5]، کلینی متوفی ۳۲۹ه.ق. در کافی[6] و شیخ صدوق متوفی ۳۸۱ه.ق. در التوحید[7] از محدّثانی هستند که در کتب خویش بابی تحت عنوان «باب السّعادة و الشّقاوة» گشوده‌اند و احادیثی را که بر رقم خوردن سعادت و شقاوت انسان پیش از خلقتش دلالت دارد در آن گنجانده‌اند.

---

۱. التوحید: ٣٥٦.
۲. الکافی ۲: ۹.
۳. التوحید: ٣٥٦.
٤. من لا یحضره الفقیه٤: ٣٨٠.
٥ . المحاسن ۱: ۲۷۹– ۲۸۱.
٦. الکافی ۱: ۱۵۲– ١٥٤.س
۷. التوحید: ٣٥٤– ٣٥٨.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

از ظاهر این احادیث، شبهه سعادت و شقاوت ذاتی انسان بر می‌آید و بزرگان از اندیشمندان شیعه همچون آخوند خراسانی، نیز به آن اشاره کرده و به این احادیث تمسّک جسته‌اند.[1]

امام موسی بن جعفر علیه‌السلام در همین موضوع می‌فرماید: «الشقی من علم الله وهو فی بطن أمه أنه سیعمل أعمال الأشقیاء والسعید من علم الله وهو في بطن أمه أنه سیعملُ أعمال السعداء.»[2]

آن حضرت در شرح ادامه روایت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله که می‌فرماید: «اعلموا فکلٌّ میسّرٌ لما خُلِقَ له»، فهم آن را با ملاحظه آیه «وما خلقت الجنّ والإنس إلا لیعبدون» کامل می‌داند و حدیث را بر آن عرضه می‌نماید. در نتیجه می‌افزاید: «ولم یخلقهم لیعصوه.» بنابراین علاوه بر اینکه ذاتی بودن سعادت و شقاوت در این حدیث نفی گردیده، سعادت نیز به منزله هدف آفرینش و به عنوان سرنوشت اختیاری هر شخصی قلمداد شده است.

در حدیثی دیگر از امیر المؤمنین علیه‌السلام سعادت و شقاوت، به پایان دادن کار خوب و یا بدی که توسط خود انسان صورت می‌پذیرد، تفسیر شده است: «حقیقة السعادة أن یختم الرّجل عملَه بالسعادة وحقیقة الشقاء أن یختم الرجل عمله بالشّقاء.»[3]

از لحاظ عقلی نیز متکلمین در رد ذاتی بودن سعادت و شقاوت گفته‌اند که اگر مقصود از ذاتی بودن سعادت، ذاتی در باب کلیات به معنای جنس و فصل یک چیز باشد، با این اشکال مواجه می‌شود که شقاوت نه ممکن است جنس آدم و نه

---

۱. کفایة الاصول: ٦٨. شایان ذکر است که مرحوم آخوند پس از ذکر دو روایت پیش‌گفته و سخن از اثبات ذاتی بودن سعادت و شقاوت انسان می‌گوید: «قلم به اینجا رسید سر بشکست.» از این سخن می‌توان چنین احتمال داد که مرحوم آخوند خراسانی اعتقادی به ذاتی بودن سعادت و شقاوت انسان ندارد، در عین حال که به هر دلیل، از ورود تفصیلی به آن خودداری کرده است.

۲. التوحید: ٣٥٦.

۳. بحار الأنوار٥: ١٥٤.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

فصل آدم باشد؛ چرا که بنا بر این فرض یکی از این دو با مفهوم انسانی خواهد بود. و چگونه ممکن است سعادت و شقاوت که دو امر متضاد می‌باشند هر دو جنس و یا فصل انسان را تشکیل دهند؟ اما اگر مقصود از ذاتی، ذاتی در باب برهان باشد، در این صورت اگر ذاتی به معنای علت تامّه باشد، علاوه بر اینکه مخالف برهان عقلی می‌باشد، مخالف وجدان نیز هست؛ چرا که از یک سو برهان جبر را باطل می‌داند و از سوی دیگر وجدان نیز حکم به اختیار و آزادی بشر می‌کند.

علامه طباطبائی در تعلیقه بر اصول کافی توضیح می‌دهد که چگونه سعادت و شقاوت نسبت به انسان به یک توضیح، امکانی و به توضیح دیگر، ضروری است.[۱]

وی در تفسیر المیزان تبیین و توجیه دیگری نیز از این موضوع در بحث از اخبار طینت و رجوع سرنوشت انسان به سعادت و شقاوت در خلقت ابتدایی ارائه می‌دهد که به آن اشاره خواهد شد.

۵. طینت و معاد

بحث طینت، از برخی جهات به موضوع معاد جسمانی مرتبط می‌گردد. برخی از حدیث‌پژوهان اعتقاد و باور به احادیث خلقت ارواح پیش از ابدان را در تبیین و توضیح معاد جسمانی و باور آن مؤثّر دانستند.

به عقیده اینان وجود روحِ جدای از جسم در عوالم پیشین به فهم این جهت از مشکلاتِ معاد جسمانی کمک می‌کند که چطور می‌تواند روحی که هنگام مرگ از جسم جدا شده، دوباره به جسم برگردد.

حسن بن سلیمان حلی متوفی ۸۰۲ هـ‌ق. در سخنی به خوبی به این نکته توجه

---

۱. کافی ۱: ۱۵۳ تعلیقه ۱.

نموده و آن را اینچنین بازگو کرده است: «واعلم هداک الله أن لهذا المقام الشریف أصلًا من عرفه لم ینکر المعراج البدني واستسهله ولم یتوغّر علی عقله، فیقذفه وهو ما روي عن الصادق علیه السلام إن الله خلق أرواحنا من علیین ولم یجعل لأحد... .»[1]

نکته دیگر طینت باقیه است.[2] طینت باقیه در حقیقت آن چیزی است که وقتی انسان از دنیا می‌رود، با اینکه همه اعضای بدن او در قبر متلاشی شده و از بین خواهد رفت؛ اما این طینت باقی می‌ماند تا از آن همانطور که نخستین بار آفریده شده، خلق شود.

در حدیث از امام صادق علیه السلام است: «سئل عن المیت یبلی جسده، قال: نعم حتی لا یبقی له لحم ولا عظم إلا طینته التي خلق منها فإنها لا تبلی، تبقي في القبر مستدیرة حتی یخلق منها کما خلق أول مرة.»[3]

مرحوم سید عبد الله شبّر پس از ذکر این حدیث در مصابیح الأنوار کوشیده تا ارائه معنا و تفسیری صحیح از طینت و استداره و ارتباط آن با ثواب و عقاب و معاد بدهد. وی در این زمینه به چهار قول اشاره کرده است:

۱. مقصود از طینت، نفس ناطقه‌ای است که اصل انسان و حقیقت اوست و وقتی اجزاء بدن از میان رفت، ثواب و عقاب داده می‌شود تا زمانی که خداوند جسدی را بیافریند و برای بار دوم ثواب و عقاب بدان تعلق بگیرد.

۲. نظر دوم مقصود طینت را نطفه می‌داند؛ چرا که طینت آن اصلی است که اجزاء اصلیه؛ مانند: گوشت، استخوان، عصب و... از آن متولد می‌شود.

۳. نظر سوم مراد از طینت را خاکی می‌داند که در نطفه داخل شده.

۱. المحتضر: ٤٤-٤٥.
۲. مصابیح الأنوار۱: ۱۸.
۳. الکافی ۳: ۲۵۱.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

۴. مراد از طینت، ذره‌ای از ذراتی است که در ازل مورد سؤال قرار گرفته است.[۱]

۶. طینت و قضاء و قدر

قدر به معنای اندازه است، یعنی: قرار دادن حد و اندازه‌ای از جانب پروردگار برای هر پدیده‌ای که تحت تأثیر شرائط معیّن و علل مشخّص تحقق می‌یابد. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنّا كلَّ شَیء خَلَقْناهُ بِقَدَر»[۲]، «وَ إِنْ مِنْ شَیء إِلاّ عِنْدنا خَزائِنُهُ وَما نُنَزِّلُهُ إِلاّ بِقَدَر مَعْلوم.»[۳]

قضاء به معنای قطع و حتمیت پدیده‌ای توسط پروردگار پس از فراهم آمدن مقدمات و علل آن است. این مفهوم ریشه در آیات قرآن مجید دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَ إِذا قَضی أَمْراً فَإِنَّما یقُولُ لَهُ کنْ فَیکونُ»[۴]، «هُوَ الّذی خَلَقَکمْ مِنْ طین ثُمَّ قَضی أَجَلاً.»[۵]

بر اساس اخبار طینت، تقدیر و قضاء الهی بر آن رقم خورده که آفرینش سرشت شیعیان در عالمی پیش از این عالم با طینتی از طینت خوب رقم بخورد و همینطور آفرینش سرشت مخالفین اهل بیت علیهم‌السلام بالعکس باشد.

برخی از احادیث دلالت بر پیوند عمیق میان فهم مسأله کیفیت آفرینش نخستین انسان و فهم مسأله قضاء و قدر دارند به طوری که در روایتی از امام باقر علیه‌السلام آمده است: «لو علم الناس کیف کان ابتداء الخلق لما اختلف اثنان». علامه مجلسی در تفسیر این عبارت می‌نویسد: «مقصود از «لما اختلف اثنان» آن است که هیچ کسی در مسأله قضاء و قدر اختلاف نمی‌کرد.»[۶]

---

۱. مصابیح الأنوار في حل مشکلات الأخبار۱: ۱۸– ۱۹. (نقل به تلخیص)
۲. قمر: ٤٩.
۳. حجر ۲۱.
٤. بقره : ۱۱۷.
۵. انعام: ۲.
٦. بحار الأنوار ۵: ۲۵۳.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

۷. طینت و نفس انسانی

بحث از اینکه نفس انسان مجرّد است یا غیر مجرّد؟ بحثی است پر دامنه که از قدیم میان حکماء و متکلّمین مطرح بوده است. حکماء قائل به مجرّد بودن نفس بوده و در مقابل بسیاری از متکلمین معتقد به غیر مجرد بودن نفس بوده‌اند.

این بحث از مباحثی است که ارتباط مستقیمی با بحث طینت دارد. آقا جمال الدین خوانساری در کتاب شرح احادیث طینت در بخشی از مقدمه کتاب تحت عنوان «تتمه» به اختلاف حکماء و متکلمان می‌پردازد در اینکه نفسِ انسانی مجرد است یا غیر مجرد؟ و به ارتباط مستقیم با بحث طینت اشاره کرده است.[۱]

بیشتر متکلمین که اعتقاد به غیر مجرد بودن نفس انسان دارند، احادیث طینت را بر ظاهر خود حمل می‌کنند؛ چرا که می‌تواند بدن مؤمنین از گِلی خلق شده باشد و بدن کفار از گِلی دیگر؛ و بدین صورت اختلاف در خوبی و بدی و صدور اعمال پسندیده و ناپسند از انسان می‌پذیرد.

همچنین آنچه در احادیث طینت وارد که که کسی که از طینت بد خلق شده، نمی‌تواند از طینت خوب خلق شود و کسی که از طینت خوب خلق شده، نمی‌تواند از طینت بد خلق شود، بنا بر اعتقاد این دسته از متکلمین، روشن و بدون اشکال است.

اما بنا بر اعتقاد حکماء که نفوس انسانیه مجرد است، بین ظاهر احادیث طینت و مجرّد بودن نفس تعارض پیش می‌آید؛ چرا که به اعتقاد حکماء فاعل نفس است و بدن به منزله آلتی برای نفس می‌باشد و اختلاف طینت موجب این نمی‌شود که نفسی که تعلق به بدنی که طینت خوب دارد، اعمال حسنه انجام دهد و در مقابل نفسی که تعلق به بدنی که طینت بد دارد، اعمال سیئه و گناه

۱. شرح احادیث طینت: ۱۵-۱۷.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

انجام دهد. در حالیکه مفاد ظاهر احادیث طینت چنین است که اختلاف در بدنی که متعلق به طینت خوب و بد است، موجب اعمال حسنه و سیئه می‌باشد.

در این میان دیدگاه صدر المتألهین پیرامون نفس و حرکت جوهری نیز دیدگاهی متفاوت است که علامه طباطبائی بر اساس آن به شرح متفاوتی از اخبار طینت پرداخته است.

۸. طینت و انتقال اعمال

در روایات متعددی از اخبار طینت به این مطلب اشاره شده است که اعمال زشت و گناهان شیعیان اهل بیت‌علیهم‌السلام به مخالفین اهل بیت‌علیهم‌السلام منتقل می‌گردد و در مقابل، هر عمل پسندیده و صالحی که از سوی مخالفین اهل بیت‌علیهم‌السلام صادر گردد، به شیعیان ایشان انتقال می‌یابد.

امام باقرعلیه‌السلام به راوی فرمود: به من بگو، از خورشید هنگامی که طلوع می‌کند و شعاع نورش در شهرها آشکار می‌گردد، آیا جدا از قرص می‌شود؟ گفتم: در هنگام طلوعش جداست. فرمود: آیا هنگامی که خورشید غایب می‌گردد، آن شعاع به قرص بر نمی‌گردد؟ گفتم: آری. امام فرمود: همینطور هر چیزی به سنخ و جوهر و اصل خویش باز می‌گردد. هنگامی که روز قیامت فرا رسد، ناصب و طینتش همراه با گناهانی است که از مؤمن ملحق به او می‌گردد و مؤمن و طینتش نیز گرفته می‌شود و حسنات و کارهای خیر از ناصب نیز به او ملحق می‌گردد...»[1]

موضوع انتقال اعمال با تعابیری نزدیک به تعابیری که در احادیث طینت بکار رفته، در اخبار عامّه نیز مشاهده می‌گردد؛ اما در احادیث ایشان سخن از انتقال اعمال بین مسلمانان با مسیحیان و یهودیان رفته است.

حاکم نیشابوری متوفی ۴۰۶ هـ‌ق. در کتاب المستدرک از ابوموسی روایت

۱. بحار الانوار۵: ۲۳۲.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «ليجيئن أقوام من أمتي بمثل الجبال ذنوبا، فيغفرها الله لهم ويضعها على اليهود والنصارى.»

حاکم نیشابوری این حدیث را از احادیثی می‌داند که بنا بر شروط شیخین (بخاری و مسلم) صحیح است؛ گرچه در صحاح خویش نیاورده‌اند.[1]

وی حدیث دیگری نیز در این موضوع با اضافاتی بر حدیث قبلی می‌آورد: که رسول الله ﷺ فرمود: «تحشر هذه الأمة على ثلاثة أصناف صنف يدخلون الجنة بغير حساب وصنف يحاسبون حسابا يسيرا [أو صنف يجيئون] على ظهورهم أمثال الجبال الراسيات، فيسأل الله عنهم وهو أعلم بهم، فيقول: ما هؤلاء؟ فيقولون: هؤلاء عبيد من عبادك فيقول: حطّوها عنهم واجعلوها على اليهود والنصارى وأدخلوهم برحمتي الجنة.»[2]

ابو داود طیالسی از ابوموسی روایت کرده که رسول الله ﷺ فرمود: «لا يموت مؤمن إلا أدخل الله مكانه النار يهوديا أو نصرانيا.»[3]

در برخی از روایات عامّه، از انتقال اعمال مسلمانان به مشرکین سخن رفته است. ابن ماجه در سنن خود، در باب ویژگیهای امت پیغمبر و بیهقی از انس روایت می‌کنند: «قال رسول الله ﷺ: إن هذه أمة مرحومة عذابها بأيديها، فإذا كان يوم القيامة دفع إلى كلّ رجل من المسلمين رجلٌ من المشركين، فيقال: هذا فداؤك من النار.»[4]

انتقال اعمال به صورتی که در روایات طینت مطرح گشته، دست کم در نظر اولیه مخالف با عدالت الهی است و با نصوصی همچون آیه شریفهٔ: «ولا تزر وازرة وزر أخرى» تعارض دارد.

از همین روی برخی از علماء عامّه این روایات را به خاطر تعارضشان با عدل

۱. المستدرک علی الصحیحین ٤: ٢٥٢- ٢٥٣.
۲. المستدرک علی الصحیحین ٤: ٢٥٣.
۳. مسند ابی داود الطیالسی: ٦٨.
٤. سنن ابن ماجة ٢: ١٤٣٤، شعب الإيمان ١: ٣٤٢.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

الهی و نصوص قرآنی و روایی رد کرده‌اند و یا توجیه نموده‌اند. علامه میرحامد حسین آراء علماء اهل سنت را در این باره در ضمن کتاب «استقصاء الإفحام» جای داده است که تلخیص آن توسط دانشمند محترم سید علی میلانی «استخراج المرام من استقصاء الإفحام» انجام پذیرفته و در دسترس است.[1]

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیش‌گفته، چنین بدست می‌آید که بررسی و فهم اخبار طینت، از سویی تحت تأثیر موضوعات متعدد دیگر و از سوی دیگر مؤثر بر موضوعات دیگر در معارف حدیثی کلامی شیعه است. این تأثیر و تأثر، گاه در اصل اثبات و یا انکار می‌باشد و گاه در کیفیت تفسیر و تحلیل اخبار طینت و دیگر موضوعات مرتبط با آن تحقق می‌یابد. از این روی برای ارائه تحلیلی جامع و کامل از اخبار طینت، باید در موضوعاتی که با اخبار طینت پیوند خورده است، تبیینی کامل داشت تا بتوان با توجه به تمامی این موضوعات در کنار یکدیگر، به منظومه‌ای جامع و بدون تعارض و نقصان رسید.

۱. استخراج المرام من استقصاء الإفحام۱: ۳۵۹- ۳۷۱.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

منابع

۱. بحرانی، سید هاشم. (بی‌تا). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة في مؤسسة البعثة، مؤسسة البعثة قم.

۲. بحرانی، یوسف. (۱۴۰۹). *الحدائق الناضرة*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۳۰ ش). *المحاسن*، تهران، دار المکتب الاسلامیة.

۴. بیابانی اسکویی، محمد.(۱۳۸۶). *انسان در عالم اظله و ارواح: آیات و احادیث*، فصلنامه سفینه، شماره ۱۵، صص ۹-۳۳.

۵. بیهقی، احمد بن الحسین. (۱۴۱۰ق). *شعب الایمان*، تحقیق: ابی هاجر محمد زغلول، دار الکتب العلمیة، بیروت.

۶. جزائری، سید نعمت الله. (۱۴۱۷ق). *نور البراهین*، تحقیق: سید مهدی رجائی، مؤسسة النشر الاسلامی، قم.

۷. حائری، محمد حسین. (۱۴۰۴ق). *الفصول الغرویة فی الاصول الفقهیة*، *دار احیاء العلوم الاسلامیة*، قم.

۸. حلی، حسن بن سلیمان. (۱۴۲۴ق). *المحتضر*. تحقیق: سید علی اشرف، انتشارات المکتبة الحیدریة .

۹. حلی، حسن بن سلیمان. (بی‌تا). *مختصر البصائر*، تحقیق: مشتاق المظفر، بی‌نا، بی‌جا. خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). *کفایة الاصول*، تحقیق: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، قم.

۱۰. خوانساری، آقا جمال الدین. (۱۳۵۹). *شرح احادیث طینت*، به اهتمام عبد الله نورانی، تهران.

۱۱. خوئی، سید ابو القاسم. (۱۴۱۹ق). محاضرات فی أصول الفقه، تقریر: اسحاق فیاض، مؤسسة النشر الإسلامی، قم.

۱۲. سبحانی، جعفر. (۱۴۱۸ق). *لب الاثر فی الجبر و القدر*، مؤسسة الامام الصادق علیه‌السلام قم.

۱۳. شبر، سید عبد الله. (بی‌تا). *مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار*، کتابفروشی بصیرتی، قم.

۱۴. صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات*، تحقیق: میرزا حسن کوچه باغی، منشورات الاعلمی، تهران.

۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین. (بی‌تا). *تفسیر المیزان*، قم، منشورات جماعة المدرّسین.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر مجمع البیان*، تحقیق لجنة من العلماء و المحققین، بیروت، منشورات الأعلمی، ۱۴۱۵ق.

۱۷. طیالسی، سلیمان بن داود. (بی‌تا). *مسند ابی داود الطیالسی*، دار المعرفة، بیروت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]

۱۸. عکبری، محمدبن محمد بن نعمان. (۱۴۱۴ق). *تصحیح اعتقادات الامامیة*، تحقیق: حسین درگاهی، دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت.
۱۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعة. (۱۴۱۲ق). *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، مؤسسهٔ اسماعیلیان، قم.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود. (بی‌تا). *تفسیر العیاشی*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، المکتبة الاسلامیة، تهران.
۲۱. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجة، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*، قم، موسسه دارالکتاب.
۲۳. قمی، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۸۶ق). *علل الشرایع*، نجف اشرف، منشورات المکتبه الحیدریه.
۲۴. قمی، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۷ق). *الأمالی*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة في مؤسسة البعثة، مؤسسة البعثة.
۲۵. قمی، محمد بن علی بن بابویه. (بی‌تا). *من لا یحضره الفقیه*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۲۶. قمی، محمد بن علی بن بابویه. (بی‌تا). *التوحید*، قم، منشورات جماعة المدرسین.
۲۷. کربلائی، جواد بن عباس. (۱۴۲۸ق). *الانوارالساطعة فی شرح زیارة الجامعة*، مؤسسة الاعلمی، بیروت.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ ش). *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۲۹. مازندرانی، مولی محمد صالح. (۱۴۲۱ق). *شرح أصول الکافی*، تعلیقات: میرزا ابو الحسن شعرانی، تصحیح: سید علی عاشور، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۰. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*، بیروت، موسسه الوفاء.
۳۱. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۱۱ق). *مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول*، تحقیق: شیخ علی آخوندی و سید جعفر حسینی، دار الکتب الاسلامیة، تهران.
۳۲. میلانی، سید علی، استخراج المرام من استقصاء الإفحام، مؤلف، قم، ۱۴۲۵ق.
۳۳. نوری، حسین. (۱۴۱۵ق). *خاتمة المستدرک*، قم، موسسه آل البیت علیهم‌السلام.
۳۴. نیشابوری، عبدالله بن بیع. (بی‌تا). *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، دارالمعرفة، بیروت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.5.7]